



تصور باعث شد در مرحله اشغال، طراحان نظامی عراق، جایگاه ویژه‌ای را برای کمک مردم منطقه قائل شوند.

ب) خوزستان به دلیل وجود مراکز اقتصادی و نفتی و نیز دارا بودن موقعیت جغرافیایی اهمیت خاصی دارد. تصرف این استان، به عراق امکان می‌داد تا ضمن حل بزرگ‌ترین مشکل خود در دسترسی به خلیج فارس، صاحب مخازن و منابع سرشار نفتی گردد. از سوی دیگر، این امر امکان گسترش سلطه این رژیم را بر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس میسر می‌ساخت، ضمن آنکه می‌توانست در سرنگونی نظام نوپای ایران نقشی حیاتی داشته باشد.^۳

۳) براندازی نظام جمهوری اسلامی

طه یاسین رمضان، معاون نخست وزیر عراق، در دی ماه سال ۱۳۶۰ در مصاحبه‌ای با نشریه الثوره، هدف واقعی عراق از شروع جنگ را چنین مطرح می‌کند: «این جنگ

۱) لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و تسلط بر اروند

امضای قرارداد الجزایر برای صدام امری سخت و ناراحت کننده بود و وی سعی داشت به نحوی به جبران این حقارت تاریخی بپردازد. این قرارداد با وجود مزایای فوق العاده آن برای عراق، با روح جاه طلب صدام سنجی نداشت، به خصوص اینکه صدام با امضای آن در مقابل خواست ایران که خواهان استقرار حاکمیت خود در ساحل شرقی اروندرود بود، تسلیم شده بود. امری که هیچ یک از زمامداران گذشته عراق به آن تن نداده بودند. صدام برای موجه جلوه دادن این تصمیم بسیار تلاش نمود. وی در سال ۱۹۹۱ در توجیه این امر علت امضای قرارداد را اتمام ذخایر مهمات عراق عنوان کرد و حتی گفت: «این تصمیم به ملت ما فرصت داد تا انقلاب خود را به اجرا بگذارد و به سطح بالاتر قدرت، پیشرفت و ترقی برسد. عاملی که افتخارات و حق حاکمیت عراق را محفوظ نگه داشت»^۱.

از این رو در اولین فرصت ممکن قرارداد را - که نشانه ضعف او در برابر قدرت ایران بود - لغو کرد. صدام بارها در سخنرانی‌های خود اعلام نمود که جنگ را برای لغو قرارداد، ۱۹۷۵ الجزایر و استقرار حاکمیت عراق بر اروندرود آغاز کرده است.

۲) تجزیه ایران و جداسازی استان خوزستان

عراق با حمایت از گروه‌های تجزیه طلبی چون حزب دمکرات در کردستان و جبهه التحریر در خوزستان در اندیشه تجزیه ایران بود. طارق عزیز از سران حکومت بعث در این باره می‌گوید: «وجود پنج ایران کوچک تر بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود... ما از شورش ملت‌های ایران پشتیبانی خواهیم کرد و همه سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم نمود»^۲.

جداسازی استان خوزستان از ایران از جهات مختلفی برای عراق اهمیت داشت:

الف) جمعیت قابل توجهی از مردم استان را عرب زبانان ایرانی تشکیل می‌دهند. رژیم بعث تلاش می‌کرد با القای تفکر پان عربیسم آنان را جذب کرده، با فعال کردن آنان موجبات جدایی این استان را فراهم کند. این

وضعیت ایران در هنگام تهاجم سراسری

ایران در هنگام حمله عراق نه تنها آمادگی جنگ نداشت، بلکه آماده دفاع هم نبود. ارتش در حال تجدید ساختار و تصفیه - به ویژه پس از کودتای نوژه - بود. سپاه پاسداران - نیروی تازه تأسیس - با ضد انقلاب و گروه های تجزیه طلب درگیری داشت. از نظر شرایط سیاست داخلی نیز خصومت شدیدی بین بنی صدر و گروه های حامی آن با دولت شهید رجایی و مجلس حاکم بود. کابینه هنوز تکمیل نبود و عدم انتخاب وزیر خارجه، در زمینه دیپلماسی کشور را کم تحرک کرده بود. تحریم اقتصادی مانع تأمین لوازم مورد نیاز کشور به خصوص در زمینه سلاح کشته و از نظر

بین المللی ایران تحت فشار غرب و کشورهای مرتجع منطقه واقع شده بود. از سوی دیگر، مخالفت ایران با اشغال افغانستان و کمک به گروه های مبارز افغانی زمینه دوری شوروی از ایران را به وجود آورد.

استراتژی عراق در هنگام تهاجم

استراتژی عراق در شروع حمله به ایران استراتژی

«جنگ پرشده و کوتاه مدت» بود. ارتش عراق ابتدا به بمباران هوایی تهران و چند شهر دیگر نمود و توپخانه آن نیز به شدت شهرهای مرزی ایران را گلوله باران کرد، آنگاه هجوم سراسری زمینی خود را آغاز نمود.

ارتش عراق در این مرحله در تصرف سرزمین های گسترده ای چون غرب شوش و دزفول، بیابان های جنوب اهواز و همچنین کوهستان های جبهه میانی با مشکل چندانی مواجه نبود؛ اما در تصرف شهرها به مقاومت های پراکنده و چریکی مردم برخورد که کندی در این محورها، در نهایت منجر به توقف ارتش عراق قبل از دستیابی به اهداف اصلی خود گشت.^(۱)

۱. از رویدادهای مهم در این مقطع جنگ، عملیات نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که بلافاصله پس از آغاز جنگ، با پرواز در آوردن ۱۴۰ فروند

به خاطر عهدنامه ۱۹۷۵ و یا چند صد کیلومتر خاک یا نصف شط العرب نیست، این جنگ به خاطر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.^۴

به دنبال شکست عملیات طیس و نیز کودتای نوژه تنها گزینه موجود، تحمیل جنگ بر جمهوری اسلامی ایران بود که عراق از مدت ها قبل آمادگی خود را برای آن اعلام کرده بود. این امر نه تنها از جنبه ایدئولوژیک مطلوب رژیم عراق بود و مانع سرایت انقلاب اسلامی به آن کشور می شد، بلکه از نظر قدرت های بزرگ به ویژه امریکا تأمین کننده اهداف آنان نیز بود. از سوی دیگر، از نفوذ انقلاب اسلامی ایران در کشورهای مرتجع منطقه نیز جلوگیری می شد.

وضعیت عراق در هنگام حمله به ایران

استعداد ارتش عراق در آغاز حمله به جمهوری اسلامی ایران بیش از ۴۸ یگان می شد که از ۱۲ لشکر شامل ۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه و ۱۵ تیپ مستقل شامل: ۱۰ تیپ پیاده، ۱ تیپ مکانیزه و ۳ تیپ نیروی مخصوص به اضافه تیپ ۱۰ گارد جمهوری و نیز نیروهای گارد مرزی که شامل ۲۰ تیپ مرزی می شدند، تشکیل شده بود.^۵ ماشین نظامی عراق با بهره مندی کامل از تجهیزاتی نظیر ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی کوپتر از آمادگی رزمی مناسبی برخوردار بود.^۶

سازمان رزم ارتش عراق نیز در شروع تجاوز به خاک ایران به شرح زیر بود:

الف) سپاه یکم در جبهه شمالی با لشکر ۷ پیاده و با بهره گیری از نیروهای ضد انقلاب؛

ب) سپاه دوم در جبهه میانی با لشکرهای ۶ و ۱۲ از رهی، ۲، ۴ و ۸ پیاده؛

ج) سپاه سوم در جبهه جنوبی با لشکرهای ۱ و ۵ مکانیزه، ۳، ۹ و ۱۰ از رهی و تیپ ۳۲ و ۲۳ نیروی مخصوص و لشکر ۱۱ پیاده؛

د) تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری نیز در احتیاط سپاه سوم بود (این تیپ در حمله به بستان شرکت داشت).^۷

هواپیما، مراکز حساس و استراتژیک عراق را مورد تهاجم قرار داد.

طارق عزیز:

«وجود پنج ایران کوچک تر بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود... ما از شورش ملت های ایران پشتیبانی خواهیم کرد»

ضررهایی که به ایران زدید جبران نشود و حکم به جبران نشود، صلح معنی ندارد.^{۱۲}

تغییر استراتژی نظامی عراق

پس از ناکامی حزب بعث در تحمیل صلح سیاسی به ایران، ارتش عراق با تغییر استراتژی «جنگ سریع» به «جنگ فرسایشی» مرحله دوم تهاجم خود را آغاز کرد. اهداف ارتش عراق در مرحله دوم تهاجم خود اشغال برخی نقاط مهم و استراتژیک، دستیابی به یک خط پدافندی مناسب، و تأمین حداقل اهداف عراق در جنگ متناسب با ادعاهای این رژیم نسبت به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود.^{۱۳} بدین ترتیب اهمیت تصرف اهواز در مرحله اول به خرمشهر و آبادان (در مرحله دوم) منتقل شد. این جبهه به عنوان اصلی ترین هدف به لشکر سوم زرهی عراق واگذار شد.

اشغال خرمشهر

تا روز هفتم جنگ، عراقی ها پشت دیوارهای خرمشهر متوقف بودند. آنها تا این تاریخ قصد داشتند شهر را با حداقل توان از طرق اجرای آتش و محاصره تصرف کنند. با تغییر استراتژی عراق، آنها ناچار شدند برای تصرف شهر توان بیشتری را مصروف نمایند. دشمن که تلاش خود را در جاده شلمچه متمرکز کرده بود، از طریق پل نو به سمت خرمشهر اقدام به تک کرد. این حمله ابتدا با مقاومت رزمندگان اسلام در حوالی پل نو در هم کوبیده شد و به شکست انجامید.

تا تاریخ شانزدهم مهر، جنگ و گریز همچنان ادامه داشت و عراقی ها دیوانه وار با کوبیدن سر خود به دیوارهای شهر تلاش می کردند، راهی به داخل بیابند. در این روز دشمن با یک مقدمه چینی و طراحی جدید و تقویت مضاعف نیروی عمل کننده و یک برنامه ریزی برای اجرای شدید آتش توپخانه و ادوات، بار دیگر وارد عمل شد. این حرکت عمده دشمن در حالی صورت می گرفت که با گذشت ۱۵ الی ۱۶ روز از آغاز جنگ، خستگی طاقت فرسای مبارزات و مقاومت ها بر روح و جان رزمندگان چیره شده بود و افزون بر آن شهادت و جراحت تدریجی نیروها و عدم جایگزینی آن،

عوامل توقف ارتش عراق به این شرح است:

۱. مقاومت مردمی؛ ۲. ضعف تاکتیک و مانور ارتش عراق؛ ۳. موانع طبیعی؛ ۴. ترس از تلفات بیشتر؛ ۵. طولانی شدن جنگ نسبت به زمان تعیین شده.^{۱۴}
- عدم تحقق اهداف عراق در استراتژی خود، باعث شد پس از پایان هفته اول، رژیم بعث تلاش کند با استفاده از اهرم های سیاسی به جنگ پایان دهد. صدام در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۷ طی سخنانی خطاب به ملت عراق اعلام کرد: «عراق به مقاصد ارضی خود نائل شده و کشورش مایل است خصومت ها را کنار گذاشته و به مذاکره بپردازد.»^{۱۵}

به دنبال درخواست

آتش بس از سوی عراق، کشورهای مختلف به ویژه آمریکا و کشورهای مرتجع عرب ضمن حمایت از پیشنهاد عراق خواستار قبول آتش بس از سوی ایران شدند.^{۱۶} شورای امنیت با آغاز بررسی موضوع تحت عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» درباره وضعیت رو به گسترش میان ایران و عراق اظهار

تصرف استان خوزستان،
به عراق امکان می داد تا
ضمن حل بزرگ ترین
مشکل خود در دسترسی به
خلیج فارس، صاحب
مخازن و منابع سرشار نفتی
گردد

نگرانی عمیق کرد و بدون اشاره به وقوع تجاوز از سوی عراق و لزوم بازگشت عراق به مرزهای بین المللی شناخته شده، از ایران و عراق خواست از هرگونه کاربرد زور به فوریت خودداری کنند و مناقشه خود را از راه های مسالمت آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین المللی حل نمایند.^{۱۷}

رژیم صدام که در موقعیت برتر قرار داشت، آن را پذیرفت. اما ایران برای قبول آتش بس شرایطی داشت از جمله: «عقب نشینی عراق» و «اعلام محکومیت متجاوز». امام خمینی (ره) در این باره فرمودند: «ایران می گوید که تا از خانه ما بیرون نروید و تا جرم هایی که کرده اید معلوم نشود که شما مجرم هستید و تا

از این تاریخ سقوط شهر قطعی بود، اما رزمندگان اسلام به خود اجازه نمی دادند با دست خود، شهر را به دشمن واگذار کنند. در نتیجه حتی با وجود فشار برخی مسئولین مبنی بر تخلیه شهر، حاضر به خروج از شهر نشدند و به مقاومت ادامه دادند. تلاش دشمن ادامه یافت، حلقه محاصره به سمت مسجد جامع و پل خرمشهر تنگ تر گردید. جنگ ۲۴ مهر، تلفات سنگینی به یگان های عراقی وارد کرد و سازمان یگان ها را از هم پاشید، به همین دلیل همین تداوم عملیات، احتیاج به فرصتی بود تا یگان ها بازسازی شود و با تقویت خود، مقدمات ضربه نهایی را فراهم سازند. در این فاصله تیپ

۱۱۲ و نیروهای جیش الشعبی و گارد مرزی، جبهه عراقی ها را تقویت کرد و سرانجام در اول آبان ماه، یورش نهایی عراقی ها به سمت دو هدف مهم یکی پل و دیگری مسجد جامع آغاز گردید.

بار دیگر خرمشهر شاهد شدیدترین درگیری ها شد. پس از دو روز، عراقی ها توانستند با بستن پل

خرمشهر و دستیابی به مسجد جامع، اشغال خرمشهر را کامل کنند.^{۱۴}

محاصره آبادان

بنا به اسناد و مدارک موجود، آبادان یکی از اهداف عمده عراق در تهاجم بود که طبق اظهار کارشناسان نظامی عراقی، اهمیت استراتژیکی نیز داشته است. این منطقه می توانست آرزوهای دیرینه حزب بعث را برای تسلط بر اروند رود و همچنین دستیابی به سواحل مناسب در خلیج فارس تحقق بخشد.

هم زمان با اوج درگیری ها در خرمشهر، از تاریخ شانزدهم مهر به بعد، اخبار و شواهد حکایت از قصد

محورهای مقاومت را با کمبود مدافع مواجه ساخته بود.

روز هفدهم، هجوم دشمن از محورهای مختلف به سوی شهر آغاز شد و شهر زیر حجم سنگینی از آتش قرار گرفت. مقاومت نیروهای خودی در محور بندر طوری بود که یگان های دشمن را دچار شگفتی کرده بود. به دلیل همان مشکلاتی که ذکر شد، نیروهای دشمن در اکثر محورهای هجوم توانستند، پیشروی کنند. این پیروزی حرکت آنان را برای اشغال نهایی تسهیل کرد و سرانجام به سقوط کامل شهر منجر شد.

با طولانی شدن جنگ در خرمشهر، لشکر ۳ عراق، از کارون عبور کرد تا با محاصره آبادان موجبات قطع کمک رسانی به جبهه خرمشهر فراهم گردد. پس از عبور یگان های مأمور از کارون در تاریخ ۵۹۷/۱۹، تعرضات نیروهای عراقی در خرمشهر تشدید گردید و در گام بعد، عراقی ها توانستند در ۲۱ مهر با استفاده از تاریکی شب و استفاده از امر غافل گیری به ساختمان های کوی طالقانی، که از نظر سوق الجیشی برای مدافعین حائز اهمیت بود، رسیده و آن را به اشغال خود درآوردند.

دشمن در تاریخ ۲۴ مهر با حمله ای سنگین تسلط خود را بر شهر قطعی کرد. در این روز دشمن از دو محور پادگان دژ، کشتارگاه و خیابان چهل متری به سمت قلب شهر و از محور سوم، به سمت پل خرمشهر پیشروی نمود. تهاجم دشمن که طی چند روز به شدت ادامه داشت، باعث تضعیف نیروهای مقاومت شده بود. اصرار عراقی ها برای تصرف شهر تا حدی بود که شب ها نیز دستور درگیری داشتند تا هر چه بیشتر جبهه مقاومت را ضعیف کنند. در این روز سنگین ترین درگیری ها رخ داد و با پیشروی یگان های عراقی، شهر در معرض سقوط قرار گرفت، طوری که نیروهای مدافع برای ممانعت از سقوط شهر، بی محابا با اسلحه سبک و کوکتل با نیروهای دشمن و تانک های آنان روبه رو می شدند. شدت درگیری در این روز و حماسه خون و شهادت، روز ۲۴ مهر را خونین ترین روز درگیری ساخت تا جایی که به دلیل این روز نام خرمشهر به خونین شهر تغییر یافت.

طه یاسین رمضان:

«این جنگ به خاطر عهدنامه

۱۹۷۵ و یا چند صد کیلومتر

خاک یا نصف شط العرب

نیست، این جنگ به خاطر

سرنگونی رژیم جمهوری

اسلامی است»

- واهمه و تردید نیروهای محاصره کننده در محور آبادان برای ورود به جزیره آبادان؛
- مقاومت های انجام شده و طبیعتاً تحمل تلفات؛
به هر حال، این بلا تکلیفی عراقی ها در شرق کارون به رزمندگان اسلام فرصت داد تا ضمن جلوگیری از ورود دشمن به آبادان، تعرضات و عملیاتی را هر چند محدود و گاه ناموفق انجام دهند. این اوضاع تا چهار آبان، یعنی با اشغال کامل خرمشهر که تمرکز فرماندهی نظامی عراق به جبهه آبادان معطوف شد، ادامه یافت. پس از این تاریخ دشمن زمینه سازی های لازم را برای عبور از بهمنشیر انجام داد تا با حضور در جزیره آبادان و اتصال خود به اروندرود، محاصره آبادان را کامل کند و شهر را بدون تن دادن به درگیری دیگری، همچون درگیری خرمشهر، اشغال نماید.^{۱۵} اما در عبور از بهمنشیر ناکام ماند و در عملیاتی که در ۱۳۵۹/۷/۹ انجام داد، از مدافعین شهر شکست سختی خورد و به آن سوی بهمنشیر عقب نشینی کرد.

تلاش ناموفق دشمن در سوسنگرد

هر چند توجه اصلی دشمن به محور خرمشهر و آبادان معطوف بود، اما نیروهای عراقی در جبهه سوسنگرد، از تحرک باز نایستاده، تلاش می کردند تا با پشت سر گذاشتن شهر سوسنگرد، برای دستیابی به اهواز و الحاق بالشکرهای دیگر، اقدام به پیشروی کنند. نخستین بار هفتم مهر بود که دشمن با برخورداری بودن از موضعی برتر، از شمال سوسنگرد وارد شهر شد و از طرف دیگر، تلاش اصلی خود را متوجه شرق سوسنگرد نمود و از جاده سوسنگرد - حمیدیه به سمت اهواز حرکت کرد. رزمندگان از محورهای مختلف به بخش شمالی شهر رفتند تا مانع ورود دشمن به شهر شوند. شدت فشار دشمن و آتش توپخانه ای که از قبل همه شهر را فراگرفته بود، گسترده تر از تعداد اندک نیروهای مقاومت بود. در نتیجه با شهید و مجروح شدن برخی و عقب نشینی برخی دیگر، دشمن وارد شهر شد. با تسلط دشمن در منطقه و پشت سر گذاشتن سوسنگرد، پیشروی عراق به عمق خاک ایران اسلامی شدت یافت و در اندک زمانی به علت فقدان نیروی دفاعی، عراقی ها به یک کیلومتری حمیدیه رسیدند.

دشمن برای عبور از کارون و محاصره آبادان داشت، اما توجه چندانی از سوی فرماندهان خودی به این جبهه نشد، هر چند در صورت توجه نیز عدم آمادگی نظامی جمهوری اسلامی مانع از آن بود تا بخش دیگری از نیروها صرف این جبهه شود.

سرانجام طی روزهای نوزده و بیست مهر، نیروهای عراق بانصب پل، بی هیچ مقاومتی از کارون عبور کردند و بدون برخورد با مانعی ای جدی، خود را به جاده آسفالته اهواز - آبادان رسانده، آن را در حد فاصل مارد تا جنوب دارخوین مسدود کردند و در مرحله بعد به سمت آبادان سرازیر شدند.

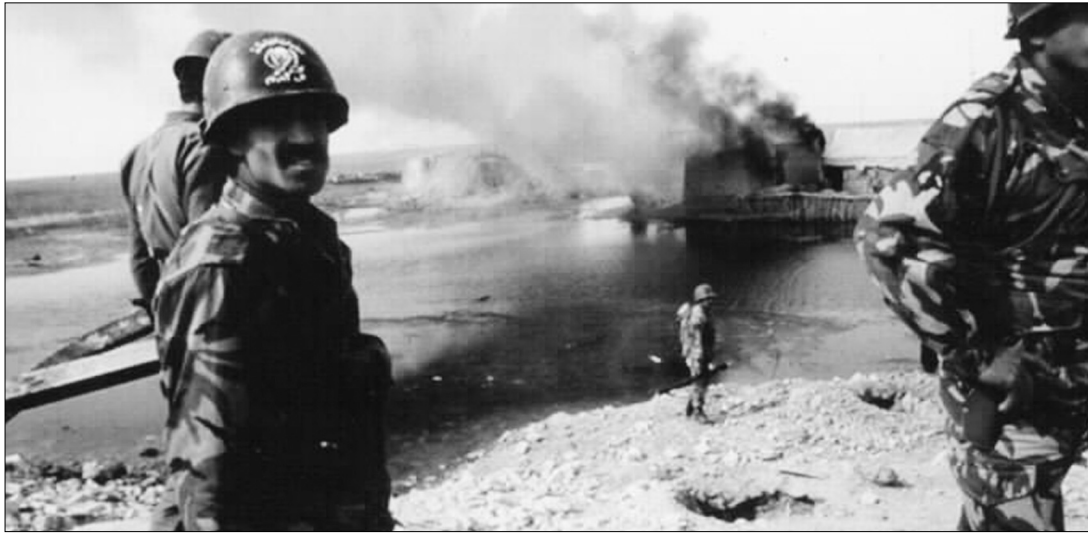
نیروهای عراقی پس از گسترش سرپل خود و تأمین جناح چپ در محورهای سلمانیه و جنوب دارخوین، با سه فلش به سمت آبادان حرکت کردند. بخشی از نیروها در حد فاصل کارون و جاده اهواز - آبادان به سمت جنوب حرکت نمودند. بخش دیگری مستقیماً از روی جاده آسفالت به سمت پل ورودی شهر آبادان در

ایستگاه ۷ و بخش سوم که به نظر می رسد فلش اصلی بود، با عبور از جاده اهواز - آبادان به سمت جاده آبادان - ماهشهر و بهمنشیر به راه افتاد. عراقی ها تا تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۳، ضمن حضور بر روی جاده ماهشهر و مسدود ساختن آن در محورهای ایستگاه ۷ و ایستگاه ۱۲، خود را به دروازه های شهر نزدیک کردند و آبادان از نظر ارتباط زمینی محاصره شد.

پس از محاصره نسبی شهر، نوعی توقف و تعلل از سوی دشمن برای ادامه جنگ در این محور مشاهده گردید که می توان چند عامل زیر را در جهت تبیین آن برشمرد:

- شدت درگیری های شهری در خرمشهر و اصلی بودن آن؛

**عدم تحقق اهداف عراق در
استراتژی خود، باعث شد
پس از پایان هفته اول،
رژیم بعث تلاش کند با
استفاده از اهرم های سیاسی
به جنگ پایان دهد**



یک بار دیگر در اواسط آبان ماه به قصد تصرف شهر به آن هجوم آورد؛ اما پس از ۷۲ ساعت شکست خورد و مجبور به عقب نشینی شد.

توقف در سایر جبهه‌ها

هر چند نیروهای عراقی در جبهه‌های دیگر نیز حرکاتی از خود نشان می‌دادند، اما واقعه مهمی روی نداد. جبهه سرپل ذهاب و گیلان غرب از حرکت بیشتری برخوردار بود. دشمن چندبار سعی کرد این دو شهر را اشغال کند و حرکت خود را به سمت پاتاق تسهیل نماید، ولی مقاومت رزمندگان اسلام این فرصت را به دشمن نداد. در جبهه‌هایی نظیر غرب شوش و دزفول، مهران و سومار، رکود کامل بود. جبهه‌های شمالی راهم دشمن به ضدانقلابیون واگذاشته بود. تعلل و کندی حرکت دشمن در این جبهه موجب تقویت جبهه خودی شده، رزمندگان اسلام فرصت یافتند با فراغت به سازماندهی پرداخته و با تدبیر عمل کنند.^{۱۷}

وضعیت جبهه خودی

نامه علی شمخانی، فرمانده سپاه اهواز که با عبارت «به داد ما برسید» شروع شده بود و گویای وضعیت نامناسب جبهه خودی و اختلافات گسترده سیاسی در

حضور دشمن در این منطقه، خطر قطع جاده مهم اهواز - اندیمشک را به وجود آورد که خطری اساسی برای شهر اهواز بود. نیروهای خودی با عجله سنگرهایی برای مقاومت تدارک دیدند. در این میان تعدادی از رزمندگان که سنگین‌ترین سلاح آنان آرپی جی ۷ بود، تصمیم گرفتند علیه دشمن عملیات کنند. این حمله که بعدها به شبیخون اول یا عملیات «غیور اصلی» موسوم شد، در ساعت یک بامداد روز نهم مهر، با شلیک همزمان ۹ آرپی جی ۷ به سوی تانک‌ها و نفربرهای دشمن آغاز شد و رزمندگان با ورود به درون مواضع دشمن، به انهدام تانک‌ها و مواضع آنها اقدام کردند. دشمن که ابتدا از سرعت پیشروی و فقدان مقاومت جدی تعجب کرده بود، با این عملیات احتمال فریب را از سوی نیروهای اسلام از نظر دور نداشت و عقب نشینی کرد. در نتیجه شهرهای سوسنگرد و حتی بستان نیز آزاد شد و تحت کنترل نیروهای اسلام درآمد. لشکر ۹ عراق با استقرار در مرز جزابه، مجدداً حرکت خود را آغاز کرد که به علت فقدان نیروی کافی در بستان، این شهر به تدریج به اشغال عراقی‌ها درآمد و یگان‌های دشمن به سمت سوسنگرد سرازیر شدند. با توجه به حضور قبلی در تپه‌های ... اکبر، از دو جناح، شهر سوسنگرد تحت تهاجم قرار گرفت.^{۱۸} ارتش عراق

زده، مواضع خودی را بمباران کردند. طی این عملیات در سه جبهه حداقل ۲۰۰ کشته به جای ماند و برادرانی که دور بعد از این جبهه ها گذر کرده بودند، خبر از انبوه ناله های مجروحینی می دادند که آتش شدید دشمن، کمک به آنها را غیرممکن ساخته است و اجازه جمع آوری اجساد را نمی داد.^{۱۸} اطلاعات سپاه نیز به نقل از فرماندار شادگان اعلام کرد: «در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۳، یک گردان از نیروهای خودی از جاده آبادان - ماهشهر به دشمن حمله کردند و قصد پیش روی داشتند که به علت ضعف شدید فرماندهی و عدم پشتیبانی به موقع، با کمبود مهمات روبه رو شدند و با شلیک شدید دشمن، با دادن تلفات جانی حدود صد نفر و خسارات مالی و تسلیحاتی از جمله انهدام ۱۵ تانک از ۱۷ تانک مواجه شدند.»^{۱۹}

حضور نخست وزیر در سازمان ملل

محمدعلی رجایی، نخست وزیر، برای شرکت در جلسه شورای امنیت به همراه بهزاد نبوی، وزیر مشاور، در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۴ به نیویورک سفر کردند.^{۲۰} سفر شهید رجایی و سخنرانی اش در سازمان ملل و خصوصاً اقدام ابتکاری او در حضور خبرنگاران برای نشان دادن آثار شکنجه هایی که از زندان رژیم شاه در بدن داشت، شرایط تبلیغی خوبی برای انقلاب اسلامی در سطح جهانی فراهم ساخت. هر چند که تغییر محسوسی در مواضع سازمان ملل ایجاد نکرد.^{۲۱}

عملیات نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی

در ۸ آذر ۱۳۵۹ نیروی دریایی ارتش طی عملیاتی، به اسکله مهم نفتی البکر عراق حمله کرد و آن را که یکی از پایگاه های دریایی و محل صدور نفت عراق بود، به آتش کشید. در این عملیات ۱۱ ناوچه عراقی غرق و سه میگ عراقی سرنگون شد. همچنین، علاوه بر کشته شدن افراد زیادی از دشمن، ۲۰ تن از پرسنل نیروی دریایی عراق نیز اسیر شدند. از نیروهای خودی نیز ناوچه پیکان غرق شد و فرمانده آن به شهادت رسید. با این ضربه عملاً نیروی دریایی عراق از هم پاشید و فلج شد.^{۲۲}

مرکز بود در روز ۱۳۵۹/۷/۳، یک روز قبل از اشغال خرمشهر، منتشر شد.^{۱۸} فرماندهی بنی صدر بر نیروهای مسلح و ناسازگاری او با نیروهای مردمی و سپاه به دلیل این تصور که حضور آنان در جنگ امتیاز دادن به رقیب سیاسی محسوب می شود - عملاً جبهه ها را به حالت سکون در آورده بود. وی در مصاحبه با مجله نوول ابزرواتور در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۲ (روزی که عراق حرکت اصلی خود را از سرپل کارون به طرف آبادان شروع کرد) گفت: «این ارتش است که دلیرانه در برابر عراق از وطن دفاع می کند نه پاسداران. این همان ارتشی است که من از همان روز اول از آن دفاع می کردم و لزوم بازسازی و تقویت آن را به همه

هشدار می دادم. ارتش ۳۰ بار از پاسداران از هر نظر مهم تر و قوی تر است. این ضدانقلابیونند که ارتش را نمی خواهند و ضدانقلابیون در همه جا هستند، حتی در دولت.»^{۱۹} این در حالی بود که در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۳ در محور دزفول، ارتش جمهوری اسلامی با اجرای یک

عملیات کلاسیک، تلاش کرد تا دشمن را از کل منطقه غرب رودخانه کرخه عقب براند و با بهره برداری از موفقیت، ضمن تعاقب دشمن به سمت فکه و العماره پیشروی کرده و عراقی ها را تا مرز تعقیب کند، لیکن نتایج مطلوب این عملیات حاصل نشد.^{۲۰}

عملیات سوم آبان ۱۳۵۹

در روز ۱۳۵۹/۷/۳ عملیاتی علیه مواضع دشمن در جاده ماهشهر انجام گرفت. طبق طرح «قرار بود هفتاد فانتوم مواضع دشمن را بمباران کنند، ولی در جریان عملیات فقط یک فانتوم آن هم برای مانور آمد. در حالی که میگ های دشمن حدود یک ساعت ۱۰ بار منطقه را دور

۱. متن داخل گیومه مربوط به گزارش استانداری خوزستان در همان تاریخ است.^{۲۱}

صدام:

انعقاد قرارداد ۱۹۷۵

به ملت ما فرصت داد تا

انقلاب خود را به اجرا

بگذارد و به سطح بالاتر

قدرت، پیشرفت و ترقی

برسد

اسارت وزیر نفت و همراهان

محمدجواد تندگویان وزیر نفت ایران - که در ۳ مهر ۱۳۵۹ از مجلس رأی اعتماد گرفته بود - در هنگام بازدید از تأسیسات نفتی جنوب کشور در روز ۹ آبان ۱۳۵۹ در یک راه فرعی برخلاف قوانین بین‌المللی با همراهانش به اسارت نیروهای ارتش عراق درآمد. فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق در بیانیه ۱۸ خود این خبر را چنین اعلام کرد: «واحد‌های کماندویی مقدم ما توانستند روز ۳۱ اکتبر محمدجواد تندگویان وزیر نفت ایران را اسیر کنند. وی به بغداد منتقل شده است».^{۲۶}

وقایع مهم دیگر در این دوره

۱. تعیین شرایط آزادی گروگان‌ها

در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۵۹ کمیسیون ویژه مجلس درباره گروگان‌ها طرحی را تقدیم نمایندگان کرد که شامل ۴ بند مهم بود: ۱. عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران؛ ۲. آزادسازی سرمایه‌های ملت ایران؛ ۳. لغو تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه ایران؛ ۴. بازگرداندن اموال شاه معدوم. بر اساس مصوبه مجلس، دولت می‌توانست با تشخیص برآورده شدن این خواسته‌ها، جاسوسان آمریکایی را آزاد کند.^{۲۷}

در پی این تصمیم مجلس، دانشجویان پیر و خط امام (ره) طی اطلاعیه‌ای به نخست‌وزیر، آقای رجایی، اعلام کردند: «از آنجایی که مراحل اجرایی پیشنهاد مصوبه مجلس شورای اسلامی برحسب قانون بر عهده دولت جمهوری اسلامی است، مناسب دیدیم از این پس مسئولیت نگهداری از گروگان‌های جاسوسی بر عهده دولت باشد و این مطلب در دیدار روز گذشته دانشجویان با رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی (ره)، مطرح شد و امام (ره) این امر را صحیح دانستند. مقتضی است نماینده خود را جهت تحویل جاسوسان آمریکایی معرفی فرمایید».^{۲۸}

۲. تشکیل هیأت رسیدگی به شایعه شکنجه و وضع زندانیان

به دنبال پخش شایعات گسترده از سوی گروه‌های سیاسی مخالف نظام جدید به خصوص سازمان

مجاهدین خلق (منافقین) مبنی بر شکنجه زندانیان و حمایت بنی صدر از آنان، امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۵۹ آقای موسوی اردبیلی را مأمور نمودند تا با تشکیل هیأتی به این امر رسیدگی کند. اما در این دستور تأکید کردند: «این هیأت که اعضای آن نباید به هیچ وجه به حزب یا گروه و دسته‌ای خاص وابسته باشد، باید از تمام زندان‌ها بازدید و وقایع را بدون هیچ اغماضی بیان کند و در پی ثبوت شکنجه، شکنجه‌گر را قصاص کند». در پی پی‌گیری این مسأله شورای عالی قضایی «هیأت رسیدگی به شایعه شکنجه و وضع زندانیان» را تشکیل داد و امام، آقای محمد منتظری را به عنوان نماینده خود در هیأت منصوب نمودند. این هیأت در تاریخ ۱۶ آذرماه کار خود را آغاز کرد.^{۲۹}

۳. امضای تفاهم‌نامه برای جلوگیری از اختلافات در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۵۹ جلسه‌ای به دعوت جامعه روحانیت مبارز تهران و با حضور آقایان بنی صدر، رجایی و هاشمی رفسنجانی در محل دبیرخانه جامعه تشکیل شد که هدف آن رفع اختلاف میان مسئولین کشور بود، در این جلسه تفاهم‌نامه‌ای بین آنها به امضا رسید.

یادداشت‌ها:

۱. فرهاد درویشی و گروه نویسندگان، ریشه‌های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، صص ۳۳-۳۲.
۲. محمد درودیان، آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۶، جلد ۶، ص ۱۸.
۳. مهدی انصاری، حسین یکتا؛ روزشمار جنگ ایران و عراق کتاب چهارم (کتاب دهم در دوره جدید) هجوم سراسری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم ۱۳۷۵، ص ۲۱.
۴. همان، ص ۱۹.
۵. سیدعلی نبی‌لوحی، هادی مرادپیری محسن محمدی؛ نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۲۴.
۶. مهدی انصاری و...، همان، ص ۲۸.
۷. محمد درودیان؛ جنگ، بازیابی ثبات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۲۶.
۸. مهدی انصاری و...، ص ۲۷.

۹. محمد درودیان؛ خونین شهر تا خرمشهر (سیری در جنگ ایران و عراق)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جلد اول چاپ ششم، ۱۳۸۰ ص ۵۰.
۱۰. جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل متحد، جلد اول، ترجمه محمدعلی خرمی، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس ۱۳۸۷، ص ۵۵، سند شماره (۱۹۸۰) / ۴۷۹ / res.S.
۱۱. همان، ص ۵۶، سند شماره ۱۴۲۳۰.S.
۱۲. محمد درودیان، آغاز تا پایان، ص ۳۵.
۱۳. مهدی انصاری و....، ص ۳۹.
۱۴. همان، صص ۳۹-۴۱.
۱۵. همان، صص ۴۱-۴۲.
۱۶. همان، صص ۴۲-۴۳.
۱۷. همان، ص ۴۳.
۱۸. مهدی انصاری، محمد درودیان، هادی نخعی؛ خرمشهر در جنگ طولانی، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس، چاپ سوم ۱۳۸۷، ص ۴۵۴.
۱۹. سیدعلی نبی لوحی و....، همان، صص ۵۸-۵۷.
۲۰. محمد درودیان؛ خونین شهر تا خرمشهر، ص ۶۲.
۲۱. انقلاب در بحران، کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۵۹ زیر نظر محسن هاشمی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۴، صص ۲۴۹-۲۵۰.
۲۲. سیدعلی نبی لوحی و....، همان، صص ۱۲۴ و ۱۲۲.
۲۳. مهدی انصاری و....؛ روزشمار جنگ ایران و عراق، ص ۵۵۹.
۲۴. انقلاب در بحران، صص ۲۵۹-۲۵۸.
۲۵. علیرضا لطف ا... زادگان؛ روزشمار جنگ ایران و عراق کتاب پنجم هویزه آخرین گام های اشغالگر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳، ص ۳۲۸.
۲۶. همان، ص ۶۶.
۲۷. همان، ص ۹۸.
۲۸. همان، صص ۱۰۸-۱۰۹.
۲۹. انقلاب در بحران، ص ۳۱۱.